



حماسه

امام سجاد

تخلیقا منبرا سنیاسی فرهنگی امام سجاد

حضرت ابی‌الفضل خاندانی

پیشگفتار

«زندگی ائمه (علیهم السلام) را ما باید به عنوان درس و اسوه فرا بگیریم؛ نه فقط به عنوان خاطره‌های شکوهمند و ارزنده؛ و این، بدون توجه به روش و منش سیاسی این بزرگواران، ممکن نیست. بنده شخصاً علاقه‌ای به این بُعد و جانب از زندگی ائمه (علیهم السلام) پیدا کردم، و بد نیست این را عرض کنم که اول بار این فکر برای بنده در سال ۱۳۵۰ و در دوران محنت‌بار یک امتحان و ابتلاء دشوار پیدا شد.

اگرچه قبل از آن، به ائمه، به صورت مبارزان بزرگی که در راه اعلاء کلمه‌ی توحید و استقرار حکومت الهی فداکاری میکردند، توجه داشتم، اما نکته‌ای که در آن برهه ناگهان برای من روشن شد، این بود که زندگی این بزرگواران، علی‌رغم تفاوت ظاهری - که بعضی حتی میان برخی از بخشهای این زندگی، احساس تناقض کردند - در مجموع، یک حرکت مستمر و طولانی است، که از سال یازدهم هجرت شروع میشود و ۲۵۰ سال ادامه پیدا میکند و به سال ۲۶۰ - که سال شروع غیبت صغری است - در زندگی ائمه خاتمه پیدا میکند.

این بزرگواران یک واحدند، یک شخصیتند. شک نمیشود کرد که هدف و جهت آنها یکی است. پس ما به جای اینکه بیاییم زندگی امام حسن مجتبی (علیه السلام) را جدا، و زندگی امام حسین (علیه السلام) را جدا، و

زندگی امام سجاد (علیه السلام) را جدا تحلیل کنیم - تا احیاناً در دام این اشتباه خطرناک بیفتیم که سیره‌ی این سه امام، به خاطر اختلاف ظاهری با هم، متعارض و متخالفند - باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده، و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته، و تا سال ۲۶۰ هجری این راه را طی کرده است.

تمام حرکات این انسان بزرگ و معصوم، با این دید قابل فهم و قابل توجیه خواهد بود. هر انسانی که از عقل و حکمت برخوردار باشد - ولو نه از عصمت - در یک حرکت بلندمدت، تاکتیکها و اختیاراتی موضعی خواهد داشت. گاهی ممکن است لازم بداند که تند حرکت کند، و گاهی کند؛ گاهی حتی ممکن است به عقب نشینی حکیمانه دست بزند؛ اما همان عقب نشینی هم از نظر کسانی که علم و حکمت و هدفداری او را میدانند، یک حرکت به جلو محسوب میشود.^۱

مقطع ۳۴ ساله‌ی امامت حضرت سیدالشاجدین علی بن الحسین (علیهما السلام) که از عصر عاشورا آغاز شد به تبع حادثه‌ی عظیم و تاریخ ساز عاشورا، مقطع مهمی از این دوران ۲۵۰ ساله است. این نکته گزاف نیست که از رهگذر این دوره‌ی سخت امامت، عاشورا در تاریخ ماندگار شد و حماسه و حرکت حسینی که در کربلا به خاک و خون کشیده شد، به نهضت حسینی تبدیل شد.

اما متأسفانه این حرکت سیاسی از سوی جامعه‌ی اسلامی به درستی شناخته نشد اگر چه جامعه‌ی اسلامی از برکات آن تاکنون برخوردار بوده و در آینده نیز برخوردار خواهد بود.

روش و هدایت امام زین العابدین (علیه السلام) در دوران دهشت بار اختناق آمیز بنی امیه موجب شد جمعیت کم و جریان ضربه دیده‌ی تشیع و نیروهای انقلابی در اندک زمانی به جمعیت انبوه بدل شود و کار به جایی

۱. در مراسم افتتاحیه‌ی کنگره‌ی جهانی حضرت رضا (ع) ۲۸/۰۴/۱۳۶۵

رسد که کمتر از چهل سال بعد از شهادت آن حضرت، جریان قوی و فراگیر تشیع موفق به سرنگونی حکومت بنی امیه گردد.

کتاب حاضر مشتمل بر تحلیلهای محققانه‌ی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره‌ی سیره‌ی سیاسی امام سجاد (علیه‌السلام) است. این کتاب از سه بخش تشکیل شده است: در بخش نخست، با هدف بیان نظریه‌ی «انسان ۲۵۰ ساله» سخنرانی معظّم‌لّه در کنگره‌ی جهانی امام رضا (علیه‌السلام) که در سال ۱۳۶۵ ایراد شده است و مطالعه‌ی آن، در فهم گفتارهای بعدی مفید است، «به‌جای مقدمه» در ابتدای کتاب، قرار گرفته است. گفتارهای اوّل تا چهارم مربوط به سخنرانی معظّم‌لّه در مسجد کرامت مشهد است که در سال ۱۳۵۲ بیان شده است. بخش سوّم کتاب، ضمائم است که شامل مجموعه مصاحبه‌های مجله‌ی پاسدار اسلام با حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که در سال ۱۳۶۱ صورت گرفته و در همان سال در شماره‌های ۶ تا ۱۲ آن مجله منتشر شده است.

امید است که با آشنایی بیش از پیش نسبت به حیات پر بار و درس آموز امام سجاد (علیه‌السلام) سهمی بسزا در رشد و پویایی جامعه‌ی اسلامی خود داشته باشیم. ان شاء الله

و من الله التّوفیق

